

# داستان رویان

محمدعلی زمانیان

تحقیق و تدوین

راه یار

ناشر

کتاب «داستان رویان»؛ روایتی از تأسیس، تولد، تثبیت و شکوفایی رویان است که با محوریت دکتر سعید کاظمی آشتیانی پیش می‌رود. این کتاب خاطرات ناب و منتشر نشده از روند شکل‌گیری پژوهشگاهی را روایت می‌کند که برای اولین بار در ایران، موفق به درمان ناباروری و سلول درمانی و شبیه‌سازی شد.

## بخشی از مقدمه کتاب

«پس از جنگ تحمیلی، عده‌ای جوان از جنگ برگشته دور هم جمع شدند و تصمیم گرفتند مجموعه‌ای را راه‌اندازی کنند که برای اولین بار مشکل «نازایی» را در کشور حل می‌کرد. انگیزه آنها برای حرکت، امید به توشه آخرتی بود که از ثمره تلاششان فراهم می‌آمد. سال‌ها بعد از آن همه تصمیمات و اقدامات و رنج‌ها، نتیجه کارشان نماد پیشرفت ایران شد و به بازکردن گره زندگی خانواده‌های گرفتار انجامید. «رویان»، نوزاد همان تلاش‌ها و مجاهدت‌های جمعی سعید کاظمی آشتیانی و دوستانش بود. رویان هم مثل هر نوزاد دیگری داستان زندگی دارد... در داستان زندگی رویان، داستان هزاران نوزاد دیگر نهفته است؛ داستان صدقه جاریه‌ای که کاظمی آشتیانی و دوستانش از خود به یادگار گذاشتند و چه وظیفه‌ای برای «تاریخ شفاهی» مهم‌تر از اینکه چنین اسناد باارزشی را جمع‌آوری و منتشر کند. کتاب حاضر روایتی از تأسیس، تولد، تثبیت و شکوفایی رویان است که با محوریت شخصیت اصلی داستان، دکتر سعید کاظمی آشتیانی پیش می‌رود.»

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: بهمن سال ۶۹ بود. زمستان آن سال، فعالیت مؤسسه رویان به صورت غیررسمی آغاز شده بود. در یکی از روزهای بهمن که قرار بود با حضور دکترالحسنی اولین پانکچر (عمل تخم‌گیری) در مؤسسه رویان انجام شود، به خاطر برف زیادی که در منطقه زعفرانیه بر زمین نشسته بود، ماشین‌های حمل گازوئیل نمی‌توانستند تا ساختمان رویان بیایند و به خاطر نبودن گازوئیل برای موتورخانه، ساختمان سرد شده بود.

شب قبل از عمل دکتر کاظمی، رئیس مؤسسه رویان با همکارانش از حدود یک کیلومتری مؤسسه، جایی که ماشین‌های حمل گازوئیل توقف کرده بودند، گازوئیل‌ها را با پیت‌های بیست لیتری حمل می‌کردند و به مخزن گازوئیل می‌رساندند تا ساختمان برای فردا گرم باشد این کار تا نزدیک صبح طول کشید.

به هر زحمتی که بود، کم‌کم مقدمات درمان اولین بیمار نابارور فراهم می‌شد. زمان زیادی نگذشت. یک سال بعد از تأسیس رسمی رویان، درمان ناباروری نتیجه داد و اولین نوزاد به دنیا آمد. همزمان امید هم با روش آی‌وی‌اف شکفت.

”

پس از جنگ تحمیلی، عده‌ای جوان از جنگ برگشته دور هم جمع شدند و تصمیم گرفتند مجموعه‌ای را راه‌اندازی کنند

اولین نوزاد لقاح آزمایشگاهی، سیمین نام گرفت؛ خانواده رویان همانم باکوچه‌ای که ساختمان کوچک رویان در آن واقع بود. آن روز فقط اهالی کوچه نبودند که صدای گریه‌های سیمین را شنیدند، بلکه طنین اش تا آنجا رفت که مسئولان گفتند: «در زعفرانیه بمانید.»

